

ادامه از صفحه اول

مخالفت با آمریکا یا توافق هسته‌ای؟

و به‌قول دکتر ولایتی، پشت میز مذاکره بیانیه اخلاقی می‌خواند و به جای پرداختن به موضوع هسته‌ای به ارائه راهکار برای رفع فقر در جهان می‌پرداخت و باعث شد کشور در سال‌های ۸۹ تا ۹۲ شرایط ناخوشایند اقتصادی پیدا کند، حالا در رأس منتقدان تیم مذاکره‌کننده قرار گرفته و آزادسازی خرمشهر در سال ۶۱ را به مذاکرات هسته‌ای می‌چسباند، خیلی نیازی به تجزیه و تحلیل ندارد، اما این سه نقل قول و حجم گسترده‌ای نقل قول‌های مشابه، این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند که به راستی انگیزه مخالفان توافق هسته‌ای با غرب چیست؟ آیا آنها نگران هستند این توافق آن‌طور که باید و شاید برای منافع ملی ما دستاوردی به همراه نداشته باشد؟ یا آنکه اساساً نه هزینه و فایده منافع ملی چندان برایشان مطرح است و نه جزئیات توافق، بلکه مسئله مهم برایشان آن است که اگر تهران-واشنگتن به توافق برسند، تکلیف مواضع آنها در قبال غرب چه خواهد شد؟ این ابهام و تردید از آنجا هر روز بیش‌ازپیش تقویت می‌شود که هر چه جلوتر می‌رویم به دو هم تیرماه نزدیک‌تر می‌شویم، یک طیف سیاسی مشخص، به طور منظم بر حجم آتش توبخانه علیه دولت روحانی و حامیان توافق هسته‌ای می‌افزاید. اگر یادم‌ان باشد در نخستین روزهایی که بیانیه لوزان قرائت شد، این جریان با برداشتن علم «فکت‌شیت»، علیه مباحث اعلام‌شده جبهه‌گیری کرد. سپس به تدریج این علم را زمین گذاشته و خواهان آن شدند که تیم مذاکره‌کننده باید مخالفان بیانیه را مجاب کند که «برنامه جامع اقدام مشترک» به سود ایران است. آن را هم کنار گذاشتند و مسئله «دبه» را در بوق کردند. پس از آن، موضوع بازباز از مراکز نظامی را مطرح کردند و سرانجام امروز به کل و به جزء و به اصل و به فرع، توافق هسته‌ای را کنار گذارده و حرف دلشان را می‌زنند که همان داستان مخاصمه با آمریکاست.

به باور نگارنده، مسئله آنها توافق هسته‌ای نیست، مسئله این است که دولت یازدهم و تیم مذاکره‌کننده نظام، چرا به ایالات متحده اطمینان کرده‌اند. در عین حال به نظر می‌رسد از این مرحله هم در حال عبور بوده و به تدریج مطرح می‌کنند که اساساً چرا با آمریکایی‌ها مذاکره کردید؟ آمریکا که تغییری نکرده و از ابتدا، قابل مذاکره نبوده است. از اول هم آقای روحانی اشتباه کرده با تیم مذاکره‌کننده ایالات متحده وارد گفت‌وگو شده است. نقل قول‌هایی را که برای نمونه در ابتدای یادداشت آوردیم، مبین آن هستند که چرا دولت یازدهم فکر می‌کند می‌شود با ایالات متحده به تفاهم رسید؟ به بیان دیگر موضوع آنها نه مناقشه هسته‌ای، نه بازسازی از مراکز نظامی، نه تعداد سائتریفیوژها، نه برداشته‌شدن تحریم‌ها است یک یا چند مرحله نه و هیچ‌یک از بهانه‌هایی است که بعد از لوزان مطرح کرده‌اند. موضوع تئدروها این است که چرا عده‌ای به جای تقویت مقابله با ایالات متحده، فکر کرده‌اند می‌توان با ایالات متحده به نتیجه رسید؟ به نظر می‌رسد به جای مذاکره با ۵+۱، باید ابتدا مذاکراتی میان خودمان داشته باشیم که به راستی با موضوع این جریان چه می‌خواهیم بکنیم؛ چون هر نوع مصالحه‌ای بین ایران و آمریکا بر سر برنامه هسته‌ای صورت بگیرد، این گروه با آن به مخالفت خواهند پرداخت؛ چراکه «دلوپس» آن هستند که سکه آنها در بین حامیان خودشان هم از رونق بیفتد.

نگاهی حقوقی به هتک حرمت وزیر خارجه

کمتر از یک‌سال دیگر دوره نمایندگی نمایندگان فعلی مجلس تمام می‌شود؛ یک‌سال‌ی که برنامه ششم توسعه در آن به تصویب می‌رسد؛ یعنی یک لایحه بودجه دیگر در همین مجلس تصویب خواهد شد و مهم‌تر از آن به احتمال قریب به یقین تا یک ماه آینده، توافقی بین ایران و کشورهای ۵+۱ منعقد خواهد شد، باید، همدلی و هم‌زبانی مجلس و دولت را کلید حل مشکلات دانست. توصیه ایشان بر برخورد محترمانه و همراه با ادب، درست بعد از زمانی‌که دکتر ظریف توسط کوچک‌زاده- خاّنی- خطاب شد، جای تأمل دارد. مهم‌تر اینکه خیانت وزیر خارجه به‌نظر این فرد بی‌ادب، به رعایت‌نکردن رهنمودهای مقام‌مظ‌هم‌یری بازمی‌گشت که با سخنان روز چهارشنبه ایشان و حمایتی که از تیم مذاکره‌کننده کردند، معلوم می‌شود دلوپوسی امثال این آقایان و هزینه‌کردن از رهبری، چه شرایطی دارد. پرسش این است: از نظر حقوقی، آنچه در مجلس اتفاق افتاد و الفاظی که علیه وزیر خارجه به کار بردند آیا وصف مجرمانه دارد؟ برابر ماده واحده قانون استفساربه درباره کلمه اهانت و توهین یا هتک حرمت، مندرج در مقررات جزائی که مقرر می‌دارد «از نظر مقررات گیری اهانت و توهین و... عبارت است از به‌کاربردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد یا زتکاب اعمال و انجام حرکاتی که با لحاظ عرفیات جامعه و با درنظرگرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تخفیف و تحقیر آنان و یا عدم‌ظهور الفاظ توهین تلقی نمی‌گردد»، معلوم است به‌کاربردن کلمه خائن نسبت به وزیری که در حال مذاکره است و برای پاسخ‌گویی به مجلس آمده، از مصادیق عینی هتک حرمت اشخاص موضوع مواد ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی است. کلماتی که نماینده مذکور از آن استفاده کرد، علاوه بر اینکه توهین تلقی می‌شود، همراه با دادوفریاد بود و نوعی فحاشی هم تلقی می‌شود.

مهدی دهقان: امروزه سوءمدیریت منابع آب کشور سبب شده تا بحران آب به نقطه جوش خود برسد و کارشناسان و مسئولان کشور از بیابان‌شدن ایران و ناپودی تمدن این سرزمین تا ۱۰ سال آینده خبر دهند. در حال حاضر برداشت سالانه ایران از آب‌های زیرزمینی بیش از حد مجاز است، ضمن اینکه ایران بیش از ۹۷ درصد آب‌های سطحی را مصرف می‌کند و به نوعی اجازه نفس‌کشیدن به زمین و تجدیدپذیری آب‌های زیرزمینی را نمی‌دهد. عیسی کلانتری وزیر جهاد کشاورزی دولت هاشمی‌رفسنجانی نخستین‌بار در مؤسسه امید ایرانیان با حضور عارف و حسین عبدتبریزی درباره مهاجرت ۵۰ میلیون ایرانی هشدار داد و این‌بار نیز در جمع کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بار دیگر نسبت به سوءمدیریت منابع آبی این هشدار را تکرار کرد و حل مشکل آب کشور را در گرو استیضاح‌شدن چهار وزیر نیرو دانست که در ادامه مشروح صحبت‌های وی را می‌خوانید:

فاجعه آبی در انتظار ایران

در سال گذشته نسبت به سال آخر دولت احمدی‌نژاد هیچ تغییری در برداشت از آب‌های زیرزمینی نداشته‌ایم، سیاست وزارت نیرو تعادل‌بخشی است، اگر فرض کنیم تعادل‌بخشی در ۲۰ سال آینده کاهش پیدا کند؛ یعنی باید ۲۲ میلیارد متر مکعبی که از آب‌های زیرزمینی اضافه برداشت کرده‌ایم، آن را قطع کنیم و از سوی دیگر در ۳۵ سال گذشته ۱۳۰ میلیارد متر مکعب اضافه برداشت داشتیم، در صورتی که حق برداشت، سالانه ۲۶ میلیارد مترمکعب است.

۹۷ درصد آب‌های زیرزمینی برداشت می‌شود

اگر خواهان جلوگیری از خشک‌شدن باتلاق‌ها و دریاچه‌ها، زنده‌ماندن طبیعت و شارژشدن آب‌های زیرزمینی ایران هستیم باید از آب‌های سطحی تنها ۴۰ درصد برداشت داشته باشیم. در صورتی که اکنون شاهد برداشت ۹۷ درصدی از آب‌های سطحی هستیم. در این زمینه ایران جزء سه کشور نخست جهان است که این میزان از آب‌های سطحی برداشت می‌کند. کشور مصر با آن همه مصیبت و مشکلاتی که دارد تنها ۴۶درصد برداشت دارد، اما ایران جزء نخستین کشورها از لحاظ مصرف آب‌های سطحی است، دعوا و چالش ما از دهه ۷۰ با وزارت نیرو این بود که بی‌رویه سدسازی نکنند. برای مثال رودخانه کرخه را در نظر بگیرید که اکنون ۶.۵ میلیارد متر مکعب آورد آن است، اما امروز بر آن ۱۳.۴ میلیارد متر مکعب سد ساخته شده است که ۴.۵ میلیارد متر مکعب دیگر نیز در دست احداث است.

پتانسیل تجدیدپذیری آب‌ها را از بین برده‌ایم

در حال حاضر پتانسیل تجدیدپذیری آب‌ها را از بین برده‌ایم. طبق آمار وزارت نیرو، کل آب‌های استاتیک ما در سال ۱۳۶۰، حدود ۵۰۰ میلیارد مترمکعب بوده که خروجی میلیون‌ها سال گذشته بوده است، نزدیک ۳۰۰ میلیارد مترمکعب آن آب شور و حدود ۲۰۰ میلیارد مترمکعب آب شیرین و آب‌شور است، اما از سال ۱۳۶۰ تا به امروز بیش از ۱۳۰ میلیارد مترمکعب از این آب‌های شیرین استفاده کرده‌ایم، ما حق نداریم به این آب‌های فسیلی دست بزنیم.

یاد دارم که در زمان دولت رفسنجانی، بر سر ما می‌زدند که عربستان صادرکننده گند است، در آن زمان گقیمت این هم می‌بود، صادرات‌کننده گند، باشد، اما خواهان باقی و زنده‌ماندن ایران هستید یا خیر؟ بنابراین اگر می‌خواهیم این سرزمین زنده باشد، باید آب داشته باشد.

ماجرای سفر هاشمی‌رفسنجانی به عربستان

در آن زمان خدا رحم کرد، در سال ۷۶ هاشمی‌رفسنجانی همراه ما به عربستان سفر کردند تا از نزدیک با کشاورزی عربستان آشنا شوند. امیر عبدالله آن زمان ولیعهد بود که در فرودگاه به استقبال ما آمد و گفت ملک عهد دست‌ور داند تا زمانی که شما در عربستان هستید، دستور شما، دستور ملک است.

یعنی همه درهای عربستان به روی ایران باز است. در این سفر بازدید از مزرعه در دستور کار قرار گرفت که از مزرعه سعود الفیصل، وزیر امور خارجه سابق این کشور، بازدید کردیم که در ۲۰ کیلومتری ریاض بود. **چاه ۱۳۰۰متری در عربستان**

ارز	قیمت	تغییر
دلار	۳۳۰۰۸	↑
یورو	۳۶۷۵	↑
پوند	۵۱۰۰	↓
درهم	۹۰۸	↑

آب با درجه حرارت ۷۳ درجه مکش می‌شد و ۲۰درجه خنک و سپس از طریق لوله منتقل می‌شد. اگر دست را زیر آب ۵۰ درجه حدود ۳۰ ثانیه نگه داریم، پوست دست از بین می‌رود، این‌گونه با پول نفت کشاورزی کردند و اکنون آب‌هایشان را تمام کرده‌اند، این در حالی است که اکنون ایران نیز با همین روش با شدت کمتر، از شیوه کشاورزی عربستان استفاده می‌کند.

تاراج منابع آبی کشور

قرار نیست به هر قیمتی تولیدی اتفاق بیفتد، اگر می‌خواهیم سه یا چهار سال تولید کنیم، پس حق با شماست، پس گور بابای نسل بعد. متأسفانه از ۲۰۰میلیارد مترمکعب آب در این ۳۰ سال ۱۳۰ میلیارد مترمکعب استفاده کرده‌ایم و اجاره تجدیدپذیری نیز نمی‌دهیم، زیرا تمام آب‌های زیرزمینی را هم استفاده می‌کنیم که خروجی این روش، خشک‌شدن دریاچه‌ها و نشست زمین بوده است، زیرا فکر می‌کنیم چون تکنولوژی را در اختیار داریم، حق داریم همه منابع کشور را تاراج کنیم. در دهه ۲۰ وقتی مردم غنی می‌شدند، نمی‌توانستند حتی تراز آب‌های زیرزمینی را به صفر برسانند، در صورتی که در سال‌های ۱۹۲۰ اگر همه مردم ایران جمع می‌شدند، نمی‌توانستند همه درختان افتاده جنگل شمال را خارج کنند، چون تکنولوژی، راه و تجهیزات نبود اما وقتی صاحب آن شدیم، نباید همه چیز را غارت کنیم. این روزها چاه‌کندن آسان شده است.

دکان وزارت نیروی دولت احمدی‌نژاد!

احمدی‌نژاد زمانی که به فیروزکوه سفر کرد، گفت مناطق ممنوعه یعنی چی؟ این دکان وزارت نیرو است هرکس هرجا توانست، چاه حفر کند. در آن زمان ظرف سه روز اجازه حفارهای چاه سه‌برابر و روزی هزاران متر چاه زده شد. بیان منفی برداشت آب از زمان انقلاب تا قبل از دولت احمدی‌نژاد منفی ۴۵ میلیارد مترمکعب بود، اما در هشت سال دولت احمدی‌نژاد ۷۵ میلیارد مترمکعب به آن اضافه شد و این روند هم‌اکنون نیز ادامه دارد، متأسفانه در برخورد با مواردی که به منافع درازمدت مربوط است، همه عقب‌نشینی می‌کنند که این اتفاق در حوزه آب و کشاورزی در حال رخ‌دادن است. در حوزه دریاچه ارومیه، استفاده از منابع تجدیدپذیر آب‌های تجدیدپذیر ۷۰ درصد است، در مقابل، متوسط کشور عددی نیست، در دشت خراسان ۱۳۴ درصد، دشت کرمان ۱۱۲ درصد و در اصفهان ۱۱۹ درصد از آب‌های تجدیدپذیر استفاده می‌کنیم. و اکنون ۲۰ درصد از آب‌های تجدیدپذیر دریاچه ارومیه استفاده می‌شود. به علت اینکه بستر دریاچه نمک است، ریزگرد نمکی به حلقوم مردم تبریز می‌رفت، دولت مجبور به رسیدگی بود. جابه‌جایی جمعیت پنج میلیون نفری با ۴۰۰ میلیارد دلار هم امکان‌پذیر نبود. دولت ناچار شد به معضل دریاچه ارومیه توجه کند اما اگر زودتر این اتفاق رخ می‌داد، هزینه‌ها کمتر می‌شد. سال ۸۲، مشاور آقای خاتمی بودم که به ایشان نامه نوشتم بیان آب دریاچه منفی شده و تا ۱۰ تا ۲۰ میلیارد تومان می‌توان جلو آن را گرفت. محیط‌زیستی‌ها خندیدند چون در محیط زیست حرف توسعه پایدار است اما عمل و دانش آن وجود ندارد.

احیای دریاچه ارومیه ۷ میلیارد دلار هزینه دارد

حداقل هزینه احیای دریاچه ارومیه هفت میلیارد دلار بالای ۳ هزار۰۰۰ متر بود که شرق؛ شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران، دیروز بدون نوسان با افزایش ۱۷واحدی به ۶۳ هزار۰۴۱۹ واحد رسید. محسن قادری، تحلیلگر بازار سرمایه، به «شرق» گفت: دیروز بازار بی‌حاشیه‌ای داشتم و حجم و ارزش معاملات پایین بود. مشکل نقدینگی نیز به‌عنوان اساسی‌ترین مشکلات بازار همچنان به قوت خود باقی است. قادری افزود: در چنین شرایطی، حقوقی‌های بازار بسیار طالب فروش سهام خود با هر قیمتی هستند و ناظران بازار برای جلوگیری از خروج نقدینگی جلوی آن را می‌گیرند. سهام‌ها به دلیل قیمت پایین جذابیت دارند، اما این جذابیت فقط منجر به فروش‌نفتن سهام خواهد شد.

اقتصاد

عیسی کلانتری، وزیر اسبق جهاد کشاورزی:

احمدی‌نژاد ۳ روزه اجازه حفر چاه را ۳ برابر کرد



دلار یعنی ۲۰ هزار میلیارد تومان است که اگر سه سال به تأخیر بیفتد، به هیچ‌وجه از نظر علمی دیگر احیاپذیر نیست و این بلا را در تمام منابع آبی کشور شاهد هستیم. در بخش کشاورزی نخست باید حاکمیت تصمیم بگیرد که می‌خواهد کشور زنده بماند. باید بلافاصله برداشت آب سطحی و زیرزمینی حدود ۵۰ درصد کاهش پیدا‌کند، اینها حرف‌هایی است که به مذاق خیلی‌ها خوش نمی‌آید، خیلی‌ها از پتانسیل واقعی کشور خبر ندارند اما برنامه‌ریزی انجام می‌دهند. در بعد منابع خاکی باید گفت خاک‌های متوسط ۰۴ درصد مواد عالی دارند و عمق خاک‌های زنده ما متوسط کمتر از ۳۵ سانتیمتر است و اینها محدودیت است و قیمت‌های تمام‌شده را بالا می‌برد.

ایران جز ۱۰کشورتولیدکننده گران دنیا

امروز این سرزمین با دلار ۳۲۰۰ تومانی جزء ۱۰کشور گران‌تولیدکننده محصولات غذایی در دنیااست، مصرف‌کننده را نمی‌گویم، در سطح تولید منظورم است؛ مصرف درگیر دلالتی است و وارد آن نمی‌شوم اما چرا جزء ۱۰ کشور گران جهان هستیم؛ درصورتی‌که متوسط سرانه تولید ما زیر متوسط جهان است و اگر ژاپن و کره جنوبی را در نظر نگیریم، با همه جهان هم‌تراز تولید می‌کنیم. سازمان برنامه باید به این موضوع توجه داشته باشد. در این سرزمین تولید سخت و پرهزینه است. به‌عنوان مثال در دنیا حدود ۶۵ درصد تولیدات از طریق دیم است و در ایران حدود ۹۵ درصد از طریق کشاورزی آبیاری است. تأمین آب منهای کمیت و کیفیت آن پرهزینه است. ساختار خاک‌های ما که گونه‌ای است که تولید را گران می‌کند. خاک‌های ما به دلیل اینکه ۸۵ درصد آب‌های بی‌کربناته است، قادر به انتقال مواد به گیاه نیست. باوجود اینکه ۹۰ درصد خاک‌ها آهکی هستند و به دلیل بی‌کربناته‌بودن آب، اکثر گیاهان در ایران کمبود کلسیم دارند و به دنبال این امر حیوانات ما هم کمبود کلسیم و لبنیات هم کمبود کلسیم دارند. بنابراین آب‌های بی‌کربناته است و عناصر منتقل نمی‌شود.

ادامه رشد منفی سرمایه‌گذاری در ایران

از بُعد سرمایه‌ای در ایران باید گفت؛ هنوز رشد سرمایه‌گذاری در ایران منفی است و این به دلیل دخالت‌های انسانی است. شاه یک اصلاحات ارضی به وجود آورد و اکنون یک هیات هفت‌نفره ایرانی، همه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه کشاورزی را فراری داد. امنیت سرمایه‌گذاری و حرمت مالکیت را در جمهوری اسلامی از بین برده‌ایم و هنوز بعد از ۳۷سال این مشکل حل نشده است، هنوز کسی تا از بانک پول نگیرد، حاضر نیست سرمایه خود را وارد کند. زمانی که سال ۶۶ وارد جهاد کشاورزی شدم همه نیروی‌های انسانی متخصص و کاربلد آن زمان رفته بودند اما افراد کارنابلد سرجای خود باقی مانده بودند. افراد کاربلد یا اخراج شده بودند یا خودشان رفتند و امروز حسرت یک کارشناس متخصص در امر حوزه کشاورزی داریم. امروز ۲۵۵ هزار دانشجو در دانشگاه‌های کشور در بخش کشاورزی داریم و در کل پتانسیل تولید ۸.۵ میلیارد هکتار زمین کشاورزی داریم ۲۰۰ هزار فارغ‌التحصیل بیکار داریم، متوسط در دنیا برای ۶۵۰ هزار هکتار زمین معادل آبی یک دانشکده کشاورزی است اما در ایران به ۷۰۰ هزار هکتار رسیده

است. همین امروز ۱۲۱ دانشکده کشاورزی دولتی و غیردولتی در کشور داریم و سالانه ۵۵ هزار نفر از آنها فارغ‌التحصیل می‌شوند، این افراد در کجا جذب شوند؟ بخش خصوصی و دولتی در حوزه کشاورزی توان جذب ندارد، دولت حداکثر سالانه توانایی جذب یک هزار نفر را داشته باشد و ۵۵ هزار نفر را در کجا جذب کند؟ بخش خصوصی در وضعیت ایده‌آل توانایی جذب دو هزار نفر را دارد. به بخش خصوصی اجازه رشد نمی‌دهیم، شاید هم بخش خصوصی به دلیل نبودن توجه اقتصادی تمایلی به فعالیت نداشته باشد. از واردات هم به بهانه تحقیقات داخلی جلوگیری کرده‌ایم. در زمان وزارت بنده گفتمیم مؤسسه چغندرقد به چه دردی می‌خورد؟ مؤسسه عریض و طویلی که ۱۶ ایستگاه در کشور دارد که مانع تولید شکر در کشور است، مؤسسه تحقیقات اصلاح و تهیه بذر چغندرقد تعطیل شد؛ مؤسسه‌ای که کل ارزش آن در سال چهارمیلیون دلار است؛ یعنی تمام توان مؤسسه -چهارمیلیون دلار - از واردات بذر بوده اما در مقابل خسارت ۶۰ میلیون دلاری وارد می‌کند، حالا چرا کشاورز را مجبور کنیم که ۶۰ میلیون دلار کمتر چغندرقد تولید کند یا این تکنولوژی‌ها کشاورزان را از تولید بیشتر محروم کرده‌ایم.

هنوز با قوانین ۶۰سال پیش

کشاورزی را اداره می‌کنیم

هنوز با قوانین ۶۰ سال پیش کشاورزی را اداره می‌کنیم و با این قوانین می‌خواهیم کشاورزی پیشرفته داشته باشیم. با این مسائل زیربنایی، محدودیت‌های آبی و سرمایه آورده نشده، می‌خواهیم کشاورزی پیشرفت کند، چگونه کشاورزان انسان‌های زحمت‌کشی هستند؛ اما زحمت‌های‌شان به دلیل بی‌مدیریتی به‌هر در می‌رود. چند روز پیش، سراخ حاجتی وزیر جهاد کشاورزی رفته و گفتم رئیس بانک کشاورزی گفته پول واردات تجهیزات و کمپاین داریم؛ اما گفتوار واردات گندم را داریم که حاجتی گفته غلط کرده‌اند، باید پول واردات تکنولوژی زودتر داده شود؛ زیرا گندم از زمان برداشتش یک روز بگذرد، روزی یک درصد ریزش خواهد داشت، بنابراین با این سیاست‌ها و محدودیت‌ها نمی‌توانیم به اهداف متعالی و برنامه‌ریزی‌شده دست پیدا کنیم.

آسب‌پذیری تمدن ایران

این روند کشاورزی و بهره‌برداری از آب‌ها، سبب می‌شود تا ۱۰ سال آینده، تمدن این سرزمین از بین برود. اگر ۹۵ میلیارد مترمکعب استحصال آب داشته باشیم، دیگر جمعیتی در کشور باقی نمی‌ماند. امروزه حیوانات به دلیل نبود آب در حال تلف‌شدن هستند. دو هفته گذشته با جهانبگیری، معاون اول رئیس جمهور، به یزد سفر کرده بودیم، ملت دنبال آب شرب می‌دویدند. آب در این سرزمین حکم کیمیا پیدا کرده است.

جنایت سد کنوند

درحال‌حاضر درباره سد گتوند جنایت رخ داده و اکنون در لایح‌افشانی موضوع هستند.آب شیرین سد شهید عباس‌بود و این سد ریخته می‌شود که سبب شورتشدن چهاربرابری آب شده است. نباید بازیچه چهارتا پیمانکار و مشاور شویم و آخرت را به دنیای پیمانکاران بفروشیم و شریک جرم باشیم.

برای احیای دریاچه ارومیه اقدامی نشده

بنده مجری احیای دریاچه ارومیه هستم که با کمک دانشگاه صنعتی شریف این کار در حال دنبال‌شدن است. در موضوع دریاچه ارومیه آن چیزی که مهم است، حفظ وضعیت موجود دریاچه است که اگر تا دو سال نخست، این کار صورت نگیرد، امکان احیا وجود ندارد. متأسفانه هنوز اقدامی برای دریاچه ارومیه صورت نگرفته است، عمق دریاچه ارومیه در ۱۰ سال گذشته ۴.۷ متر کاهش پیدا کرده است. عمق متوسط دریاچه ۵.۷ متر بوده است؛ با چنین شرایطی، اولویت نخست ما، حفظ وضعیت سال قبل دریاچه بود. شانس آوردیم بارندگی‌ها خوب بود، وقتی به سیاست‌های پوپولیستی می‌رسد حتی دولت تدبیر و امید هم عقب‌نشینی می‌کند. خوشبختانه بارندگی‌ها توسط دریاچه تجمیع خوب بود که سبب شده تا امروز عمق دریاچه فقط چهار سانتی‌متر کمتر از سال قبل باشد. اکنون دریاچه دوهزارو ۷۰۰ کیلومتر آب دارد. ریزگردها از فروردين شروع می‌شود تا تیرماه هم ادامه دارد. **ادامه در صفحه ۵**

طلا کاملاً آرام

شرق: بازار طلا آرام بود و این آرامش را مدیون اونس جهانی طلاست. دیروز هر اونس طلا با قیمت هزارو ۱۹۰دلار معامله شد که نسبت به روزهای قبل، چندان نوسانی نداشت. مصطفی قدرتی، معامله‌گر ارز و سکه، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: نوسان اندک اونس طلا باعث شده سکه طرح جدید هم نوسان چندانی نداشته باشد. قیمت اول صبح سکه ۹۳۰ هزار تومان بود که تا ۹۳۲ هزار تومان هم افزایش یافت؛ اما در نهایت و هم‌زمان با بسته‌شدن بازار نقدی به همان ۹۳۰ هزار تومان راضی شد. سایر سکه‌ها هم نوسانی ازاین‌دست را پشت‌سر گذاشتند.

طلاو سکه	قیمت	تغییر
طرح جدید	۹۳۰۰۰۰	—
طرح قدیم	۹۳۰۰۰۰	—
نیم‌سکه	۴۷۶۰۰۰	↑
ربع‌سکه	۲۷۹۰۰۰	↑
گرمی	۱۸۰۰۰۰	—
گرم ۱۸ عیار	۹۵۳۵۱	—
اونس طلا (دلار)	۱۱۹۰	↑

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۶۳۴۱۹۰۹	۱۷۰۸
۳۰ شرکت بزرگ	۲۹۰۳۳	—۲۰۶
آزاد شناور	۷۲۶۳۷.۲	۲۰۹
شاخص قیمت	۲۶۵۷۱.۷	۱.۷
شاخص کل (هم‌وزن)	۹۸۵۴۷	—۶.۳
شاخص قیمت (هم‌وزن)	۸۷۸۰۰۴	—۱۹.۳

یادداشت

نامه بنزینی صادق زیباکلام به نویخت

● صادق زیباکلام، استاد دانشگاه تهران با نگارش نامه‌ای خطاب به محمداق‌ر نویخت، سخنگوی دولت و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ضمن انتقاد از توضیحات او درباره حذف یارانه بنزین، این سیاست دولت را تأیید کرده است.
بخش‌هایی از متن نامه زیباکلام به نویخت به این شرح است:
یکی از موضوعاتی که همواره مورد تعجب توام با تأسف در حکایت دولت معدلت‌آتا یازدهم بوده رویکرد ضعیف و مذبذب امناء آن آقایان در قیبال تصمیمات‌شان بوده. آن‌قدر که آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد در برداشتن گام‌های نادرست و اخذ تصمیمات نادرست‌تر از خود عزم و اراده و جنم نشان می‌داد، جنابعالی و همکارانتان در دولت یازدهم ثلث و حتی ششر آن را هم در قیبال تصمیمات صواب‌تان ندارید. نمونه بارز آن در پرداخت یارانه و اخیراً هم در افزایش قیمت بنزین است. بنده هیچ کشور و نظامی را سراغ ندارم که بلایی را که آقای احمدی‌نژاد با پرداخت یارانه بر سر اقتصاد ایران آورد مسئولان آن کشور بر سر آن آورده باشند. با اینکه مصیبت‌باربودن آن تصمیم هم از منظر عدالت و هم از نظر تأثیر فاجعه‌بارش بر اقتصاد کلان کشور اظهارهم الشمس می‌یووند، مع‌ذالک ایشان با آنچنان عزم و اراده، اطمینان‌خاطر و قاطعیتی آن تصمیم یا درست‌تر گفته باشیم مصیبت عظم‌ا را به اجرا گذاشتند که هر کس نمی‌دانست، تصور می‌کرد که آن تصمیم حاصل سال‌ها مطالعات فشرده برجسته‌ترین علمای علم اقتصاد و توسعه بوده است. اما دولت جنابعالی وقتی در برابر این فاجعه تاریخی قرار می‌گیرد و با این پرسش روبرو می‌شود که دست‌کم در قیبال پرداخت یارانه اقشار و لایه‌های پردرآمد جامعه چه برنامه‌ای دارد، به‌جای آنکه فریاد بکشد که این بلایی که در طول تاریخ بشریت بی‌سابقه بوده بر سر این مملکت نازل شد فقط به انگیزه پوپولیسم بود و بس، دچار لغت زبان می‌شود. صبح می‌گوید که بنا دارند یارانه پر درآمد‌ها را قطع کنید، بعدازظهر آن را تکذیب می‌کنید، غروب می‌گوید که اسلام به ما اجازه نمی‌دهد از دارایی شهروندان اطلاعات به دست آوریم و آخر شب هم باز سخن دیگری می‌فرماید و بالاخره آخر برج هم با پرداخت مجدد یارانه فله‌ای به ۷۸ میلیون نفر یک قافشق دیگر سم در کام اقتصاد مصیبت‌زده مملکت می‌ریزید و همچنان جسارت ندارید به این خودکشی اقتصادی پایان دهید. مشابه همین وضعیت درخصوص تصمیم اخیرتان پیرامون افزایش قیمت بنزین به وجود آمده. جناب آقای دکتر نویخت عزیز، تقریباً تمامی کشورهای دنیا نه‌تنها بهای تمام‌شده بنزین را از مصرف‌کننده می‌گیرند بلکه از محل درآمد مالیات‌هایی که حتی تا چندین برابر قیمت تمام‌شده بنزین بالغ می‌شود برای مصارف آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، گسترش حمل‌ونقل عمومی و کمک به اقشار و لایه‌های کم‌درآمدتر جامعه استفاده می‌کنند، کشور ما به‌دلیل دارا بودن یک ساختار اقتصادی دولتی ناکارآمد، نه‌تنها هیچ درآمدی از محل مالیات بنزین ندارد، بلکه قیمت تمام‌شده آن را هم از مصرف‌کننده نمی‌گیرد. قیمت بین‌المللی بنزینی (لیتر) است؛ یعنی حتی بدون درنظرگرفتن هزینه حمل، هر یک لیتر بنزینی که دولت می‌فروشد در حدود ۷۰۰ تومان به مصرف‌کننده «یارانه نامرئی» می‌پردازد. درحالی‌که کشورهای دیگر از هر یک لیتر بنزینی که می‌فروشدن، بعضاً تا چهار هزار تومان مالیات دریافت می‌کنند. اولین اشکال قیمت‌گذاری بنزین (لیتر ازولیل و سایر مشتقات نفتی) در توزیع عدالتی است. خانوارهایی که اتومبیل شخصی ندارند، از این یارانه هیچ سهمی دریافت نمی‌کنند، درحالی‌که خانوارهایی که دارای اتومبیل هستند هر بار که باک بنزین اتومبیل‌شان را پر می‌کنند این یارانه را دریافت می‌کنند و هر قدر که تعداد اتومبیل‌های یک خانوار بیشتر باشد (بخوانید ثروتمندتر باشند) یارانه بیشتری دریافت می‌کنند. پامال‌شدن عدالت تنها پیامد قیمت‌گذاری نادرست بهای بنزین نبوده، قیمت پایین بنزین سبب شده هر که بتواند به‌جای استفاده از وسیله نقلیه عمومی از اتومبیل شخصی استفاده می‌کند.آن وقت زمانی‌که دولت شما یک کام درست در این راستا برمی‌دارد جنابعالی در مصاحبه و توضیح پیرامون اخذ این تصمیم درست به‌گونه‌ای برخورد می‌کنید که انگار دولتتان مرتکب یک جنایت و خیانت عظیم شده است.به‌جای تلاش در توجیه، باور کنید اگر شما یک تصمیم درست گرفته باشید، آن تصمیم افزایش قیمت بنزین بوده. به مردم بگویید پایین‌بودن قیمت بنزین یعنی بی‌عدالتی، یعنی کلاه‌رفتن برسر اقشار کم‌درآمدتر جامعه، یعنی کنشدن گسترش وسایل نقلیه عمومی، یعنی آلودگی شهرها یعنی بدترشدن ترافیک، یعنی ادامه سیاست‌های پوپولیستی که یک عصر مردم با جان و عمر و سلامت‌شان بهای آن را پرداخته‌اند. جناب نویخت، باور بفرمایید نیازی نیست هربار دارو را با شربت به مردم بخورانید. یک‌بار هم که شده سعی کنید نقش قهرمان و ناجی را برای مردم بازی نکنید و حقایق را همان‌طور که هست با آنها در میان بگذارید. مطمئن باشید آن‌قدرها طول نمی‌کشد که درخواست یافت خیلی هم نیازی به شربت نداشته‌اید.